

پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی، سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۰، از صفحه ۱۶۷ تا ۱۹۱

تأثیر هموارسازی سود بر محتوای اطلاعاتی سود

عباس طالب بیدختی* محمد حسین ودیعی** اکرم کازرونی***

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۰/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۲/۰۴

چکیده

سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و تحلیل‌گران مالی علاقه‌مندند اطلاعات بیشتری راجع به هموارسازی سود در شرکت‌های سرمایه‌پذیر داشته باشند؛ به خصوص اگر این اطلاعات بر تصمیم‌گیری آن‌ها موثر باشد. یافته‌های بسیاری از تحقیقات نشان دهنده این است که سرمایه‌گذاران در تصمیمات سرمایه‌گذاری، سود هموار و کم نوسان را ترجیح می‌دهند. در این راستا مدیران تلاش می‌کنند سود و نرخ رشد آن را هموار نشان دهند. تحقیق حاضر به بررسی تأثیر هموارسازی سود در جامعه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار بر محتوای اطلاعاتی (آگاهی بخشی اطلاعاتی) سود می‌پردازد. هموارسازی سود با استفاده از شاخص ایکل در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ اندازه‌گیری شده است که در این ارتباط، با توجه به تعدادی از متغیرها در ساختار مدل، از اطلاعات یک سال ماقبل و سه سال آتی (نه سال مالی) نیز استفاده شده است. با تفکیک شرکت‌ها به هموارساز و غیر هموارساز موضوع تحقیق در قالب چهار فرضیه مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاکی از آن است که هموارسازی سود باعث افزایش محتوای اطلاعاتی می‌گردد و هدف اصلی هموارسازی به قصد تحریف اطلاعات نمی‌باشد. باید توجه داشت که رابطه‌ای مثبت بین سودهای جاری و آتی برقرار می‌باشد و در نهایت سود دوره‌های آتی شرکت، رابطه مستقیم و مثبتی با سود هموار شده شرکت دارد. همچنین هموارسازی سود، محتوای اطلاعاتی سود در رابطه با گردش وجوه نقد آتی و توانایی سود در پیش‌بینی ارقام تعهدی آتی را افزایش می‌دهد، که این مسائل هنگام تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان بایستی مورد نظر قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: هموارسازی سود، محتوای اطلاعاتی سود، شاخص ایکل.

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گچساران، نویسنده اصلی و مسئول مکاتبات. Email: beydokhti@iaug.ac.ir

** استادیار دانشگاه فردوسی مشهد.

*** کارشناسی ارشد، حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

۱- مقدمه

سود از جمله برترین شاخص‌های اندازه‌گیری عملکرد یک واحد اقتصادی است؛ با وجود این که نظریه فراگیری در زمینه سود حسابداری وجود ندارد که مورد توافق همگان باشد، باز هم به عنوان یکی از معیارهای تصمیم‌گیری مالی از اعتبار ویژه‌ای برخوردار است. در این راستا هر جریانی که سود را به طریقی دست‌خوش تغییر قرار دهد نیز اهمیت می‌یابد. پدیده هموارسازی سود بالقوه می‌تواند در رفتار کاربران موثر واقع شده و پیامدهایی را موجب شود. از لحاظ نظری این موضوع در بازارهای با کارایی ضعیف سرمایه ممکن است از درجه تاثیر و اهمیت بیشتری برخوردار باشد (ملانظری و کریمی زند، ۱۳۸۶).

سرمایه‌گذاران معتقدند سود ثابت در مقایسه با سود دارای نوسان، پرداخت سود تقسیمی بالاتری را تضمین می‌کند. هم‌چنین نوسانات سود به عنوان معیار مهم ریسک کلی شرکت قلمداد می‌شود و شرکت‌های دارای سود هموارتر دارای ریسک کمتری می‌باشند. بنابراین شرکت‌هایی که دارای سود همواری هستند؛ بیشتر مورد علاقه سرمایه‌گذاران بوده و از نظر آن‌ها محل مناسب‌تری برای سرمایه‌گذاری محسوب می‌شوند. از طرف دیگر مدیریت در انتخاب بین روش‌های مختلف به حساب بردن وقایع مالی در چارچوب اصول پذیرفته شده حسابداری اختیارات قابل ملاحظه‌ای دارد. به علت این انعطاف‌پذیری، مدیر می‌تواند به طور نظام مند بر روی سود گزارش شده از سالی به سال دیگر تاثیر گذاشته و آن را هموار کند. از اینرو هموارسازی سود می‌تواند بر تصمیمات سرمایه‌گذاران موثر باشد. اگر مدیران از اختیار خود برای انتقال ارزیابی خود از سودهای آتی استفاده کنند، هموارسازی سود از لحاظ پیش‌بینی سودهای آتی مفیدتر خواهد بود. به عبارت دیگر در این حالت سود شرکت‌هایی که اقدام به هموارسازی سود می‌نمایند، با استفاده از سودهای گذشته دارای قابلیت پیش‌بینی بیشتری است؛ و از سوی دیگر، اگر مدیران بی آن که دارای این گونه اطلاعات از وضعیت آتی شرکت باشند، سودهای شرکت را به صورتی غیر واقعی گزارش کنند،

آنگاه هموارسازی سود باعث نشان دادن درآمدهای غیر واقعی شده و موجب بروز مشکلاتی در واحدهایی دارای عملکرد ضعیف در آینده‌ای نزدیک می‌گردد (تاکر^۱ و زارووین، ۲۰۰۶).

این مطالعه، ارتباط بین هموارسازی سود و محتوای اطلاعاتی سود را در یک دوره پنج ساله مورد بررسی قرار می‌دهد. در این تحقیق سعی شده است که به بررسی این مسئله پرداخته شود که آیا در بازار سهام ایران هموارسازی سود، با هدف افزایش محتوای اطلاعاتی سود و در نتیجه کمک به تصمیم‌گیری‌های صحیح‌تر انجام می‌شود و یا خیر؟ دستیابی به این نتیجه در راستای شفاف‌سازی تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران، اهمیت می‌یابد. بدین ترتیب می‌توان گفت هدف مدیریت از هموارسازی سود، افزایش محتوای اطلاعاتی سود و یا تحریف سود است. از مدل ایکل جهت محاسبه هموارسازی سود و تقسیم شرکت‌ها به هموارساز و غیر هموارساز استفاده شده و پس از آن، جهت مطالعه این که آیا هموارسازی سود، محتوای اطلاعاتی سود را تحریف می‌کند و یا باعث بهبود محتوای اطلاعاتی سودهای گذشته و جاری در رابطه با سودها و گردش وجوه نقد آتی می‌گردد، از چهار فرضیه در قالب سه مدل، استفاده شده است. در صورت ارایه یک چارچوب نظری برای این پدیده، محتمل است بتوان به پیشرفتی در زمینه کیفیت گزارشگری سود دست یافت و در این راستا به استفاده‌کنندگان از اطلاعات حسابداری جهت اتخاذ تصمیمات بهتر کمک نمود.

۲- چارچوب نظری و پیشینه تحقیق

فرضیه هموارسازی سود برای اولین بار توسط هپ ورت در سال ۱۹۵۳ ارزیاب شد و بعداً توسط گوردن در سال ۱۹۶۴ توضیح داده شد. او چهار فرض زیر را پیشنهاد کرد:
- معیار مدیریت شرکت در انتخاب بین روش‌های حسابداری به حداکثر رساندن مطلوبیت یا رفاه مدیریت است.

1. Tucker

۱۷۰ پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی، سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۰

- مطلوبیت مدیریت با امنیت شغلی او، نرخ رشد پاداش و حقوق با نرخ رشد اندازه شرکت افزایش می‌یابد.

- کسب بخشی از اهداف مدیریت که در فرض دوم بیان شد به رضایت صاحبان سهام نسبت به عملکرد شرکت بستگی دارد.

- برای مدیران رضایت صاحبان سهام نسبت به رشد سود شرکت (یا نرخ متوسط بازده حقوق صاحبان سهام) و ثبات سود ضروری است تا بتوانند اهداف خود را دنبال کنند. اگر چهار فرض بالا مورد قبول باشد، مدیران در محدوده قدرت خود و در چارچوب اصول پذیرفته شده حسابداری باید اول سود گزارش شده را هموار کنند و دوم نرخ رشد سود را هموار کنند (استلوی و برتون، ۲۰۰۰).

فرهنگ حسابداری کهلر، هموارسازی سود را به این صورت تعریف می‌کند: «هر شیوه‌ای که به منظور حذف بی‌نظمی داده‌ها طراحی شده است، همانند نوسان‌های غیرعادی در یک منحنی که ممکن است در نتیجه شرایط غیر مستمر عملیاتی باشد را هموارسازی سود می‌نامند». هموارسازی سود، عملی فلسفه آمیز و رندانه است که در محدوده اصول و استانداردهای حسابداری صورت می‌گیرد (هپ ورت، ۱۹۵۳).

یکی از انگیزه‌های هموارسازی سود رویکرد تحریف در مقابل اطلاعات مطرح شده است. رویکرد تحریف بیان می‌کند که مدیران به منظور دستیابی به پاداش یا حفظ موقعیت شغلی خود اقدام به هموارسازی می‌کنند. در مقابل، رویکرد اطلاعات از هموارسازی سود به عنوان ابزاری برای مدیران یاد می‌کند که اطلاعات محرمانه آن‌ها را درباره سودهای آتی آشکار می‌سازد (تاگر و زاروین، ۲۰۰۶). معمولاً مدیران برای انجام هموارسازی سود اهدافی دارند که این اهداف در مطالعات مختلف به شرح زیر بیان شده‌اند:

۱. افزایش ارزش سهام شرکت در بورس اوراق بهادار و در نتیجه افزایش ارزش شرکت.
۲. کاهش ریسک شرکت و در نتیجه پرداخت بهره کمتر در استقراض و کاهش هزینه سرمایه شرکت.

1. Stolowy and Breton
2. Hepworth

۳. جذب سرمایه، چون سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان معتقدند ریسک سرمایه‌گذاری کم است و محل مناسبی برای سرمایه‌گذاری می‌باشد.

۴. انتقال اطلاعات داخلی شرکت به بازار و تسهیل قابلیت پیش‌بینی سود.

۵. بهبود روابط با کارکنان، عرضه‌کنندگان مواد اولیه و....

۶. کسب منافع مالیاتی از طریق کاهش بدهی مالیاتی.

۷. دریافت پاداش‌های مدیریتی که بر اساس درصدی از سود خالص گزارش شده می‌باشد.

۸. کاهش احتمال نقض پیمان در قرارداد بدهی‌های بلندمدت.

۹. کاهش احتمال اخراج و برکناری و ایجاد امنیت شغلی (مهرانی و عارف منش، ۱۳۸۷).

از دیدگاه اطلاعاتی، مفهوم سود نتیجه فعالیت‌های اقتصادی را بیان می‌کند، ولی به عنوان معیار اساسی اندازه‌گیری، همچنان مورد تردید قرار دارد. بر مبنای مفروضات بازار کارای سرمایه، تحقیقات تجربی مؤید آنند که سود حسابداری دارای محتوای اطلاعاتی می‌باشد. البته حسابداران حرفه‌ای چه برای اندازه‌گیری سود و چه برای شناسایی اطلاعات انعکاس یافته در محاسبه سود حسابداری، همچنان بر نقش اندازه‌گیری سود تاکید ورزیده و تحلیل گران مالی نیز خواهان اندازه‌گیری و انتشار آن می‌باشند (هندریکسن، الدون، مایکل و وانبردا، ۱۹۹۲).

احمد و همکاران (۲۰۰۴)، محتوای اطلاعاتی سود را داشتن بار اطلاعاتی پیرامون سود آتی می‌دانند.

ملانظری و کریمی‌زند (۱۳۸۶) به این نتیجه رسیدند که بین اندازه شرکت و هموارسازی سود، همبستگی قوی وجود دارد. همچنین تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین شرکت‌های هموارساز سود، از نظر نوع صنعت وجود نداشت و تنها در سطح سود ناویژه ارتباط ضعیفی بین صنعت و هموارسازی سود مشاهده می‌شود.

حائری (۱۳۷۷) در تحقیقی با عنوان، بررسی میزان تأثیر هموارسازی سود بر ثروت سهامداران، به دنبال پاسخ این سؤال است که آیا هموارسازی سود می‌تواند به عنوان

ابزاری برای افزایش قیمت سهام در بازار بورس به کار گرفته شود؟ نتایج نشان داد که هموارسازی سود می‌تواند به عنوان ابزاری برای افزایش قیمت سهام در بورس به کار گرفته شود.

قائمی، قیطاسوند و توجکی (۱۳۸۲)، در مقاله ای تحت عنوان « تاثیر هموارسازی سود بر بازده سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادر تهران » به این نتیجه دست یافتند که هموارسازی سود، عاملی مؤثر بر بازده های غیرعادی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادر تهران است.

هانت و همکاران (۲۰۰۰) طی تحقیقی، به بررسی رابطه بین مدیریت سود و ارزش سهام پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که هموارسازی، محتوای اطلاعاتی سود و رابطه سود- بازده را افزایش می‌دهد (تاکر و زاروین، ۲۰۰۶).

سانکار و سابرامانیا (۲۰۰۱) با انجام تحقیقی به این نتیجه رسیدند که مدیریت بر آن است تا از طریق هموار سازی، اطلاعات محرمانه‌ای را در مورد سودهای آتی شرکت در اختیار سرمایه‌گذاران قرار دهد تا آن‌ها بتوانند بر اساس این اطلاعات، تصمیمات مناسبی اتخاذ نمایند.

کرسچین هیتر و ملومد (۲۰۰۲) با انجام پژوهشی نشان دادند که نوسانات سود گزارش شده، اعتماد سرمایه‌گذاران را کاهش می‌دهد. بنابراین با هموارسازی سود، اعتماد سرمایه‌گذاران به شرکت افزایش می‌یابد و آن‌ها راحت‌تر می‌توانند به روند جریان‌های نقدی آتی بپردازند.

تاکر و زاروین (۲۰۰۶)، به بررسی اثر هموارسازی سود بر محتوای اطلاعاتی آن پرداختند. این مقاله از یک زاویه جدید به این موضوع می‌پردازد که آیا هموارسازی سود اطلاعات مربوط به سود را تحریف می‌کند و یا باعث بهبود اطلاع رسانی سودهای قبلی و فعلی، درخصوص پیش‌بینی سودهای آتی، جریان‌های نقدی عملیاتی و اقلام تعهدی آتی می‌گردد. در این تحقیق هموارسازی سود از طریق همبستگی منفی بین تغییرات اقلام تعهدی اختیاری و تغییرات سود قبل از اقلام تعهدی اختیاری محاسبه گردیده است. اقلام تعهدی

اختیاری با استفاده از مدل مقطعی تعدیل شده جونز برآورد شده است، سپس با استفاده از روش کولینز و همکاران، مدل‌های مربوط به فرضیه‌های تحقیق، تخمین زده شده‌اند. بر اساس نتایج تحقیق، هموارسازی سود منجر به افزایش محتوای اطلاعاتی سود می‌شود و سود هموار شده، اطلاعاتی در مورد سود، جریان‌های نقدی و اقلام تعهدی آتی ارابه می‌نماید. این مطالعه به این نتیجه رسیده است که، تغییر در قیمت جاری سهام شرکت‌هایی که هموارسازی بیشتری انجام می‌دهند، نسبت به تغییر قیمت سهام شرکت‌هایی که هموارسازی کمتری انجام می‌دهند، حاوی اطلاعات بیشتری در رابطه با سودهای آتی است.

چن و همکاران (۲۰۰۸) به بررسی رابطه هموارسازی سود تقسیمی و توان پیش‌بینی آن پرداختند. آن‌ها بیان کردند که اگرچه در پیش‌بینی قیمت سهام، سیاست تقسیم سود یک عامل نامربوط محسوب می‌شود؛ اما برای پیش‌بینی رشد سود تقسیمی، از سیاست تقسیم سود به عنوان یک عامل مهم یاد می‌شود. در این مطالعه شرکت‌های نمونه بر اساس میزان هموارسازی سود تقسیمی‌شان طبقه‌بندی شده و دریافتند که در شرکت‌هایی که سود تقسیمی بیشتر هموار می‌شود، رشد سود تقسیمی از قابلیت پیش‌بینی کمتری برخوردار است. اما در شرکت‌هایی که حداقل هموارسازی سود تقسیمی را دارند، رشد سود تقسیمی بهتر قابل پیش‌بینی است. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که بین اطلاعات مربوط به جریان‌های نقدی و انحراف قیمت رابطه مهمی وجود دارد، چنانچه سیاست تقسیم سود شرکت به هموارسازی سود تقسیمی منجر شود، سودهای تقسیمی نمی‌توانند پیش‌بینی خوبی از جریان‌های نقدی ارابه دهند.

مارکارین، گرن و البرنز^۱ (۲۰۰۸) به این نتیجه رسیدند که هموارسازی سود با ریسک سیستماتیک و غیر سیستماتیک رابطه منفی دارد.

داس، هنگ و کیم^۲ (۲۰۰۹) به این نتیجه رسیدند که اگر مالکان شرکتی بخواهند سودهای گزارش شده شرکت آن‌ها هموار باشد، می‌توانند پاداشی را برای انجام این کار به مدیرانشان اختصاص دهند.

1. Markarian, Garen, and Alboronz
2. Das, Hong and Kim

۴- فرضیات تحقیق

هدف اصلی این تحقیق آن است که ارتباط بین هموارسازی سود و محتوای اطلاعاتی سود را مورد بررسی قرار دهد. از روش جدیدی جهت مطالعه این که آیا هموارسازی سود، محتوای اطلاعاتی سود را تحریف می کند و یا باعث بهبود محتوای اطلاعاتی سودهای گذشته و جاری در رابطه با سودها و گردش وجوه نقد آتی می گردد، استفاده شده است. جهت بررسی موضوع، چهار فرضیه مورد بررسی قرار گرفته است. پس از تقسیم شرکت ها به دو گروه هموارساز و غیر هموارساز، چهار فرضیه در قالب سه مدل اصلی محاسبه و بررسی شده است. یافته های بسیاری از تحقیقات مؤید آن است که سرمایه گذاران در تصمیمات سرمایه گذاری، سود هموار و کم نوسان را ترجیح می دهند. در این راستا مدیران تلاش می کنند سود و نرخ رشد آن را هموار کنند. مدیران یا به قصد تحریف اطلاعات و در جهت منافع خود و یا به قصد انتقال اطلاعات خود درباره سودهای آتی اقدام به هموارسازی سود می نمایند. این تحقیق بر آن است که این موضوع را مشخص کند که آیا هموارسازی سود باعث انتقال اطلاعات و افزایش آگاهی بخشی اطلاعاتی جهت تصمیم گیری های آگاهانه تر می شود و یا اطلاعات را تحریف می کند. همان گونه که مطرح گردید، تحقیق حاضر به دنبال بررسی تاثیر هموارسازی سود بر محتوای اطلاعاتی سود است. فرضیه های تحقیق جهت آزمون داده ها و ایجاد بستر علمی مناسب برای تحقیق حاضر، شامل چهار فرضیه به شرح زیر می باشند، که به صورت مجزا مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد:

فرضیه اول: بین هموارسازی سود و افزایش محتوای اطلاعاتی شرکت ها رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه دوم: هموارسازی سود باعث تقویت رابطه بین سودهای جاری و آتی می گردد.

فرضیه سوم: هموارسازی سود، محتوای اطلاعاتی در رابطه با گردش وجوه نقد آتی

را افزایش می‌دهد.

فرضیه چهارم: هموارسازی سود، توانایی سود در پیش‌بینی اقلام تعهدی آتی را افزایش می‌دهد.

۵- روش تحقیق

از آنجایی که این تحقیق به بررسی وجود رابطه همبستگی بین متغیرها می‌پردازد، روش تحقیق از نوع همبستگی و روش‌شناسی آن از نوع پس‌رویدادی (استفاده از اطلاعات گذشته) می‌باشد. به دلیل آن‌که نتایج تحقیق مورد استفاده سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران مالی قرار می‌گیرد، از نظر هدف از نوع تحقیقات کاربردی می‌باشد.

۶- مدل تحقیق

با توجه به فرضیه‌های تحقیق که به بررسی رابطه همبستگی بین متغیرها می‌پردازند، به منظور آزمون فرضیه‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و روش رگرسیون چندگانه استفاده می‌شود. تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها در نرم افزار آماری SPSS انجام می‌گیرد، در این نرم‌افزار برای آزمون فرض‌های آماری و سطح معناداری از معیار مقدار احتمال (Sig) (P-Value) استفاده می‌شود.

جهت تجزیه و تحلیل نتایج از سه مدل رگرسیون چندگانه به شرح زیر استفاده می‌شود. مدل اول جهت تحلیل فرضیه اول، مدل دوم جهت تحلیل فرضیه دوم و مدل سوم جهت بررسی و تحلیل فرضیه‌های سوم و چهارم مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای به دست آوردن سه مدل اصلی، در ابتدا، اقلام تعهدی کل و شاخص هموارسازی سود از طریق رابطه‌های (۱) و (۲) به دست می‌آید:

$$(۱) \quad \text{ریان های نقدی عملیاتی} - \text{سود خالص} = \text{اقلام تعهدی کل}$$

در این تحقیق برای مشخص کردن شرکت‌های هموارساز و غیرهموارساز از مدل

ایکل استفاده می‌شود. در مدل ایکل شرکتی به عنوان هموارساز معرفی می‌شود که رابطه (۲) در آن بر قرار باشد:

$$\frac{CV \Delta I}{CV \Delta S} < 1 \quad (۲)$$

ΔI : تغییرات یک دوره سود

ΔS : تغییرات یک دوره فروش

CV: انحراف همبستگی

مدل اول

(۳)

$$R_t = \beta_0 + \beta_1 X_{t-1} + \beta_2 X_t + \beta_3 X_{t3} + \beta_4 R_{t3} + \beta_5 IS_t + \beta_6 IS_t * X_{t-1} + \beta_7 IS_t * X_t + \beta_8 IS_t * X_{t3} + \beta_9 IS_t * R_{t3} + \varepsilon_t$$

در رابطه (۳)، R_t بازده سالانه سهام، X_t و X_{t-1} به ترتیب سود هر سهم (EPS) برای سال $t-1$ و t می‌باشد. X_{t3} مجموع EPS برای سال‌های $t+1$ تا $t+3$ می‌باشد. R_{t3} بیانگر بازده مرکب برای سال‌های $t+1$ تا $t+3$ است.

در مدل اول، اگر تاثیر هموارسازی سود انتقال اطلاعات درباره سودهای آتی باشد، ضریب $IS_t * X_{t3}$ یعنی β_8 مثبت و اگر تاثیر تحریفی هموارسازی سود حکم فرما باشد، آنگاه سودها ممکن است کمتر آگاه کننده بوده و ضریب مذکور منفی پیش‌بینی می‌شود

$$H_0 = \beta_8 \leq 0$$

$$H_1 = \beta_8 > 0$$

مدل دوم

$$EPS_{t3} = \alpha_0 + \alpha_1 EPS_t + \alpha_2 IS_t + \alpha_3 IS_t * EPS_t + \varepsilon_t \quad (۴)$$

در رابطه (۴)، EPS_t ، سود هر سهم برای سال مالی t و EPS_{t3} ، مجموع EPS در سال‌های مالی $t+1$ تا $t+3$ می‌باشد.

مدل رگرسیون دوم برای آزمون دومین فرضیه تحقیق استفاده می‌شود که بررسی می‌کند آیا هموارسازی سود باعث ایجاد تقویت رابطه بین سودهای جاری و آتی می‌گردد یا خیر؟ که در این رگرسیون چنانچه ضریب

$IS_t * EPS_t$ یعنی α_3 مثبت باشد، هموارسازی سود، رابطه بین سود جاری و سود دوره های آتی را تقویت می‌کند و اگر ضریب مذکور منفی باشد، هموارسازی سود باعث تقویت این رابطه نمی‌شود. در صورتی که α_3 مثبت باشد، فرضیه دوم پذیرفته و در صورتی که منفی باشد این فرضیه رد می‌گردد.

$$H_0 : \alpha_3 \leq 0$$

$$H_1 : \alpha_3 > 0$$

مدل سوم

(۵)

$$R_t = \beta_0 + \beta_1 CFO_{t-1} + \beta_2 CFO_t + \beta_3 CFO_{t3} + \beta_4 ACC_{t-1} + \beta_5 ACC_t + \beta_6 ACC_{t3} + \beta_7 R_{t3} + \beta_8 IS_t + \beta_9 IS_t * CFO_{t-1} + \beta_{10} IS_t * CFO_t + \beta_{11} IS_t * CFO_{t3} + \beta_{12} IS_t * ACC_{t-1} + \beta_{13} IS_t * ACC_t + \beta_{14} IS_t * ACC_{t3} + \beta_{15} IS_t * R_{t3} + \varepsilon_t$$

در رابطه (۵):

IS_t : هموار سازی سود، CFO_{t-1} : گردش وجوه نقد عملیاتی بر اساس سال مالی $t-1$

CFO_t : گردش وجوه نقد عملیاتی برای سال مالی t .

ACC_{t-1} : شامل ارقام تعهدی کل سال مالی $t-1$ ، که از طریق تفریق گردش وجوه نقد عملیاتی از سود خالص قبل از ارقام غیر مترقبه و عملیات متوقف شده بدست می‌آید.

ACC_t : ارقام تعهدی کل برای سال مالی

$ACC_{t3,t}$: مجموع ارقام تعهدی برای سال مالی $t+1$ تا $t+3$ می‌باشد.

مدل رگرسیون سوم برای آزمون فرضیه سوم و چهارم می‌باشد. فرضیه سوم به بررسی تأثیر هموارسازی سود بر محتوای اطلاعاتی سود در رابطه با گردش وجوه نقد آتی می‌پردازد. در این مدل، اگر هموارسازی سود، توانایی سود را در پیش‌بینی جریان وجوه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی آتی، افزایش دهد، b_{11} باید مثبت باشد و در

غیر این صورت منفی خواهد بود.

$$H_0 : \beta_{11} \leq 0$$

$$H_1 : \beta_{11} > 0$$

در فرضیه چهارم، در صورتی که ضریب $IS_{it}^*ACC_{it}$ یعنی b_{14} مثبت باشد، هموارسازی سود، قابلیت پیش بینی اقلام تعهدی آتی را افزایش می‌دهد و اگر ضریب آن منفی باشد، بدین صورت تفسیر خواهد شد که هموارسازی سود، قابلیت پیش‌بینی اقلام تعهدی آتی را افزایش نمی‌دهد.

$$H_0 : \beta_{14} \leq 0$$

$$H_1 : \beta_{14} > 0$$

۷- متغیرهای تحقیق

در تحقیق حاضر از آن جایی که هدف محقق بررسی تاثیر هموارسازی سود بر محتوای اطلاعاتی (آگاهی‌بخشی) سود می‌باشد، بنابراین هموارسازی سود به عنوان متغیر مستقل و محتوای اطلاعاتی سود به عنوان متغیر وابسته مد نظر قرار می‌گیرد.

۸- جامعه آماری و نمونه آماری

جامعه آماری این تحقیق کلیه شرکت‌های سهامی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران به تعداد ۴۲۷ شرکت است، که از سال ۱۳۸۰ تا پایان سال ۱۳۸۴ (پنج سال مالی) در بورس فعالیت داشته‌اند که با توجه به این که از اطلاعات یک سال ماقبل و سه سال آتی تعدادی از متغیرها در ساختار مدل نیز استفاده شده است، در واقع اطلاعات شرکت‌ها از سال مالی ۱۳۷۹ تا پایان سال ۱۳۸۷ (۹ سال مالی) گردآوری و مورد تحلیل قرار گرفته است. در این تحقیق نمونه آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری حذفی و با در نظر گرفتن شروط زیر انتخاب می‌شود:

۱- شرکت‌ها باید تا پایان اسفند سال ۱۳۷۹ در بورس پذیرفته شده باشند.

تأثیر هموارسازی سود بر محتوای اطلاعاتی سود ۱۷۹

- ۲- به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، شرکت‌هایی در نظر گرفته شده‌اند که تاریخ مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند هر سال می‌باشد.
 - ۳- شرکت‌هایی که در طی دوره مطالعه سال مالی آن‌ها تغییر نیافته است.
 - ۴- جهت یک نواخت سازی متغیرها، شرکت‌ها جزو شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌ای نباشند.
 - ۵- به منظور انتخاب شرکت‌های فعال، سهام آن‌ها در بورس اوراق بهادار تهران، حداقل هر شش ماه یک بار مبادله شده باشد.
 - ۶- اطلاعات مورد نیاز آن‌ها در بخش تعریف متغیرها در دسترس باشد.
- با توجه به محدودیت‌های مذکور از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تعداد ۷۵ شرکت به عنوان نمونه که کلیه شرایط بالا را داشته باشند، انتخاب شده است. لیست اسامی شرکت‌های انتخابی در پیوست آمده است.

۹- روش جمع‌آوری اطلاعات

مبانی نظری تحقیق از مقالات و مجلات فارسی و انگلیسی تخصصی و همچنین کتب مربوط به موضوع تحقیق جمع‌آوری شده است. با بررسی صورت‌های مالی منتشر شده شرکت‌ها و اطلاعات موجود در سایت سازمان بورس و از محل گزارش‌های مالی شرکت‌ها، اطلاعات مورد نیاز برای آزمون فرضیه‌ها گردآوری گردیده است. به منظور جمع‌آوری سایر داده‌های مورد نیاز مطالعه از بسته‌های نرم‌افزاری شرکت‌های ره‌آورد نوین و تدبیر پرداز استفاده شده است. داده‌های اولیه از منابع مذکور در فایل‌هایی در قالب نرم افزار صفحه گسترده اکسل جمع‌آوری شده و جهت تجزیه و تحلیل آن‌ها از نرم افزار آماری SPSS استفاده می‌گردد.

۱۰- یافته‌های تحقیق

گزارش نتایج آزمون‌های آماری و تحلیل یافته‌ها در دو بخش ارائه می‌شود: بخش

۱۸۰ پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی، سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۰

اول در رابطه با آمار توصیفی و تفکیک شرکت های نمونه به دو گروه هموارساز و غیر هموارساز، و بخش دوم در ارتباط با آزمون فرضیه های پژوهش می باشد:

جدول ۱- آمار توصیفی متغیر های تحقیق

آماره توصیفی متغیر های مورد استفاده در مدل های تحقیق (تعداد ۷۵ نمونه در ۵ سال)				
متغیر ها	تعداد نمونه	میانگین	میانه	انحراف معیار
R _t	۷۵	۲/۲۳۳۱	۱/۵۷۰۰	۴/۳۱۴۸۵
EPS	۷۵	۱۴۸۴/۰۷۷۳	۱۱۶۴/۰۰۰۰	۱۲۲۸/۲۶۰۱۱
CFO	۷۵	۱۳۹۱۲۷/۴	۳۳۸۰۲/۰۰	۵۳۹۵۷۹/۷۵۶۳۵
ACC	۷۵	-۷۷۴۹/۴۹	-۴۰۹/۰۰۰۰	۵۴۲۳۰۳/۹۸۳۲۹
Sale	۷۵	۷۸۳۱۷۷/۲	۱۷۱۵۰۵/۰	۳۳۲۲۱۴/۸۸۳
R _{t3}	۷۵	۱/۶۲۲۱	۱/۲۳۰۰	۱/۳۸۵۰۵

* منبع: یافته های پژوهشگر

در این قسمت، کل شرکت های نمونه، که تعداد ۷۵ شرکت در هر سال و در ۵ سال، ۳۷۵ شرکت را شامل می شود، با استفاده از آمار توصیفی به دو دسته هموار ساز و غیر هموار ساز تفکیک می شوند. اکثر شرکت ها در نمونه مورد بررسی، شرکت های هموارساز بوده اند. ۶۲/۶ درصد، شرکت های هموارساز و ۳۷/۴ درصد، جزو شرکت های غیر هموارساز دسته بندی شده اند.

با استناد به روش آماری ذکر شده، مدل رگرسیونی چند متغیره اول برای آزمون فرضیه اول تحقیق استفاده شد. در این مدل، اگر تاثیر هموارسازی سود به منظور انتقال اطلاعات در باره سودهای آتی باشد، ضریب $X_{t3} * IS_t$ یعنی β_8 مثبت و اگر تاثیر تحریفی هموارسازی سود لحاظ شود، آنگاه سودها ممکن است کمتر آگاه کننده بوده و ضریب مذکور، منفی پیش بینی می شود. همان گونه که مشاهده می شود، مقدار β_8 ۰/۲۲۷ و سطح معنی داری ۰/۰۰۱ است که از ۰/۰۵ کوچک تر می باشد و ضریب تعیین ۰/۰۸۷، نشان می دهد که ضریب همبستگی ۸/۷ درصد تغییرات در متغیر وابسته را، متغیر مستقل توضیح

می‌دهد، لازم به ذکر است که در این مدل جهت متغیر مذکور نیز برای قبول یا رد فرضیه مدنظر می‌باشد، مثبت بودن این ضریب به معنای آن است که هموارسازی سود باعث افزایش محتوای اطلاعاتی سود می‌گردد. بنابراین شواهد کافی برای پذیرش فرض H_0 وجود ندارد و در نهایت فرضیه اول تایید می‌گردد که بیانگر اثر هموارسازی سود بر افزایش محتوای اطلاعاتی (آگاهی بخشی) سود می‌باشد (جدول ۲).

جدول ۲- آزمون فرضیه اول

نتایج آزمون فرضیه اول				
Sig	آماره t	Beta	متغیرها	ردیف
۰/۹۱۸	-۰/۱۰۳		b_0 (Constant)	
۰/۰۸۲	۰/۱۳۱	۰/۰۲۱	X_{t-1}	۱
۰/۰۱۷	۰/۷۴۴	۰/۱۳۸	X_t	۲
۰/۰۰۰	۰/۴۲۶	۰/۰۷۳	X_{t3}	۳
۰/۴۶۲	۱/۵۶۶	۰/۱۹۸	R_{t3}	۴
۰/۹۷۰	۰/۵۳۰	۰/۰۷۷	IS_t	۵
۰/۱۸۶	۰/۰۳۲	۰/۰۰۶	$IS_t * X_{t-1}$	۶
۰/۰۹۳	-۱/۱۰۸	-۰/۲۴۲	$IS_t * X_t$	۷
۰/۰۰۱	۱/۳۵۵	۰/۲۷۷	$IS_t * X_{t3}$	۸
۰/۹۸۵	-۱/۳۸۸	-۰/۲۰۳	$IS_t * R_{t3}$	۹
سطح معنی داری				
	آماره F	۰/۰۸۷	ضریب تعیین	
۰/۰۱۴	۲/۳۷۶	۰/۰۵۰	ضریب تعیین تعدیل شده	
		۱/۵۷۷	آماره دورین - واتسون	

* منبع: یافته های پژوهشگر

در مدل رگرسیونی چند متغیره دوم، اگر هموارسازی سود باعث ایجاد تقویت رابطه بین سودهای جاری و آتی گردد ضریب $EPS_t * IS_t$ یعنی α_3 مثبت و اگر هموارسازی سود باعث تقویت رابطه بین سودهای جاری و آتی نگردد، α_3 منفی پیش بینی می شود. همان گونه که مشاهده می شود، مقدار α_3 ، $0/178$ و سطح معنی داری $0/000$ می باشد. مثبت بودن این ضریب به معنای آن است که هموارسازی سود باعث تقویت رابطه بین سودهای جاری و آتی می گردد. به عبارتی هموارسازی سود، ثبات سود را افزایش می دهد و در پیش بینی سودهای آتی موثر خواهد بود و در این راستا سود دوره های آتی شرکت، رابطه مثبت و مستقیمی با سود هموار شده شرکت دارند. بنابراین شواهد کافی برای پذیرش فرض H_0 وجود ندارد و فرضیه دوم که بیانگر تاثیر هموارسازی سود بر تقویت رابطه سودهای جاری و آتی می باشد، نیز تایید می گردد (جدول ۳).

جدول ۳- آزمون فرضیه دوم

نتایج آزمون فرضیه دوم				
Sig	آماره t	Beta	متغیرها	ردیف
0/000	3/815		(Constant)	
0/000	5/153	0/512	EPS_t	۱
0/876	-0/990	-0/86	IS_t	۲
0/000	1/469	0/178	$IS_t * EPS_t$	۳
ضریب تعیین				
سطح معنی داری	آماره F	0/412		
0/000	53/999	0/405	ضریب تعیین تعدیل شده	
		1/714	آماره دوربین - واتسون	

* منبع: یافته های پژوهشگر

با استفاده از مدل رگرسیونی چند متغیره سوم ذکر شده در جدول ۴، جهت آزمون فرضیه های سوم و چهارم، در صورتی که هموارسازی سود، محتوای اطلاعاتی سود در

رابطه با گردش وجوه نقد آتی را افزایش دهد، ضریب یعنی $CFO_{t3} * IS_t$ یعنی β_{11} مثبت می‌باشد و در صورتی که این ضریب منفی باشد، فرضیه سوم رد می‌گردد. نتایج برآورد رگرسیون نشان می‌دهد که ضریب $CFO_{t3} * IS_t$ به صورت معنی‌داری مثبت است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، مقدار β_{11} ، $0/239$ است که مثبت بودن این ضریب حاکی از آن است که هموارسازی سود، توانایی سود در پیش‌بینی جریان وجه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی آتی را افزایش می‌دهد. بنابراین شواهد کافی برای پذیرش فرض H_0 وجود ندارد و در نهایت فرضیه سوم که بیانگر تأثیر هموارسازی سود بر محتوای اطلاعاتی جریان وجه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی می‌باشد، نیز تایید می‌گردد. بر اساس فرضیه چهارم چنانچه ضریب $ACC_{t3} * IS_t$ یعنی β_{14} مثبت باشد، هموارسازی سود، توانایی سود در پیش‌بینی اقلام تعهدی آتی را افزایش می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود این ضریب $2/523$ است که مثبت و معنی‌دار است و در نتیجه نشان می‌دهد که شواهد کافی برای پذیرش فرض H_0 وجود ندارد و در نهایت فرضیه چهارم که بیانگر تأثیر هموارسازی سود بر افزایش پیش‌بینی اقلام تعهدی آتی می‌باشد، تایید می‌گردد. لازم به ذکر است که سطح معنی‌داری متغیرهای مذکور $0/242$ ، $0/002$ و سطح معنی‌داری مدل $0/003$ می‌باشد.

جدول ۴- آزمون فرضیه سوم و چهارم

نتایج آزمون فرضیه سوم و چهارم				
Sig	t آماره	Beta	متغیرها	ردیف
0/058	1/903		(Constant)	
0/775	-0/286	-0/286	CFO_{t-1}	۱
0/600	-0/525	-0/325	CFO_t	۲
0/242	1/173	0/208	CFO_{t3}	۳
0/725	-0/352	-0/208	ACC_{t-1}	۴
0/309	-1/020	-0/570	ACC_t	۵

۰/۸۴۰	-۰/۲۰۲	-۰/۱۰۵	ACC_{t3}	۶
۰/۴۶۷	۰/۷۲۸	۰/۰۹۲	R_{t3}	۷
۰/۴۹۳	۰/۶۸۷	۰/۰۷۴	IS_t	۸
۰/۶۳۶	-۰/۴۷۵	-۰/۷۵۹	$IS_t * CFO_{t-1}$	۹
۰/۵۹۶	-۰/۵۳۱	-۰/۴۲۷	$IS_t * CFO_t$	۱۰
۰/۲۴۲	۱/۱۷۳	۰/۲۳۹	$IS_t * CFO_{t3}$	۱۱
۰/۹۰۳	-۰/۱۲۲	-۰/۰۵۶	$IS_t * ACC_{t-1}$	۱۲
۰/۵۵۳	-۰/۰۵۹۵	-۰/۰۹۷۳	$IS_t * ACC_t$	۱۳
۰/۰۰۲	۳/۲۱۲	۲/۵۲۳	$IS_t * ACC_{t3}$	۱۴
۰/۳۱۳	-۱/۰۱۱	-۰/۱۴۵	$IS_t * R_{t3}$	۱۵
*				
سطح معنی داری	آماره ی F	۰/۱۴۱	ضریب تعیین	
۰/۰۰۳	۲/۳۹۳	۰/۰۸۲	ضریب تعیین تعدیل شده	
		۱/۵۷۳	آماره دوربین - واتسون	

* منبع: یافته های پژوهشگر (ادامه جدول ۴)

۱۱- نتیجه گیری

نتایج آزمون های آماری تحقیق، حاکی از قبول فرضیه های تحقیق می باشد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول نشان می دهد که هموارسازی سود باعث افزایش محتوای اطلاعاتی سود می گردد، به عبارتی توانایی سود در پیش بینی دوره های آتی را افزایش می دهد. لازم به ذکر است که نتیجه آزمون این فرضیه، با آنچه هانت و همکاران (۲۰۰۰)، سانکار و سابرامانیا (۲۰۰۱) و تاکر و زاروین (۲۰۰۶) دریافتند، مطابقت دارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم حاکی از آنست که هموارسازی سود باعث تقویت رابطه بین سودهای جاری و آتی می گردد. به بیان دیگر هموارسازی سود، ثبات سود را افزایش می دهد و سود دوره های آتی شرکت، رابطه مثبت و مستقیمی با سود هموار شده شرکت دارند. نتیجه این فرضیه نیز، با نتیجه تحقیق سانکار و سابرامانیا

(۲۰۰۱) و تاکر و زاروین (۲۰۰۶) تطابق دارد.

همچنین در فرضیه سوم نتایج برآورد رگرسیون نشان می‌دهد که هموارسازی سود، توانایی سود در پیش‌بینی جریان وجه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی آتی را افزایش می‌دهد. نتیجه آزمون فرضیه سوم تحقیق با نتیجه بدست آمده توسط کرسچین هیتز و ملومد (۲۰۰۲) و تاکر و زاروین (۲۰۰۶) مطابقت دارد.

نتایج حاصل از فرضیه چهارم، نشان می‌دهد که هموارسازی سود، توانایی سود در پیش‌بینی اقلام تعهدی آتی را افزایش می‌دهد و همچنین نتیجه این فرضیه نیز، با نتایج تحقیق تاکر و زاروین (۲۰۰۶) یکسان است. در نهایت تمامی نتایج حاصل از فرضیات، با آنچه از قبل پیش‌بینی شده بود، مطابقت دارد. به طور خلاصه نتایج تحقیق نشان می‌دهد که هموارسازی سود باعث افزایش محتوای اطلاعاتی سود می‌گردد و باید توجه داشت که رابطه‌ای مثبت بین سودهای جاری و آتی برقرار است و در نهایت سود دوره‌های آتی شرکت، رابطه مستقیم و مثبتی با سود هموار شده شرکت دارند، هموارسازی سود محتوای اطلاعاتی سود در رابطه با گردش وجوه نقد آتی و توانایی سود در پیش‌بینی اقلام تعهدی آتی را نیز افزایش می‌دهد. تحقیق مشابه انجام شده، تحقیق انجام شده توسط تاکر و زاروین در سال ۲۰۰۶ است، که با استفاده از نمونه‌ای از شرکت‌های بورسی آمریکا انجام شده است. با مقایسه نتایج این دو تحقیق، مشاهده می‌شود که نتایج هر دو تحقیق با یکدیگر سازگار و مطابق می‌باشند. در جدول ۵ خلاصه نتایج تحقیق نشان داده شده است.

جدول ۵- خلاصه نتایج تحقیق

ردیف	فرضیه	متغیر مورد نظر	ضریب	نتیجه
۱	بین هموارسازی سود و افزایش محتوای اطلاعاتی شرکت‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد.	$X_{t3} * IS_t$	$\beta_8 > 0$	تائید فرضیه
۲	هموارسازی سود باعث تقویت رابطه بین سودهای جاری و آتی می‌گردد.	$IS_t * EPS$	$\alpha_3 > 0$	تائید فرضیه

تائید فرضیه	$\beta_{11} > 0$	$IS_t * CFO_{t3}$	هموارسازی سود، محتوای اطلاعاتی در رابطه با گردش وجوه نقد آتی را افزایش می‌دهد.	۳
تائید فرضیه	$\beta_{14} > 0$	$IS_t * ACC_{t3}$	هموارسازی سود، توانایی سود در پیش‌بینی اقلام تعهدی آتی را افزایش می‌دهد.	۴

* منبع: یافته‌های پژوهشگر (ادامه جدول ۵)

۱۲- پیشنهادهای تحقیق

همان‌گونه که نتایج تحقیق حاضر و تحقیقات انجام شده در زمینه هموارسازی سود نشان می‌دهد، در بسیاری از شرکت‌ها، هموارسازی سود انجام می‌شود. بنابراین پیشنهاد می‌شود از آن جا که عموماً سرمایه‌گذاران تخصص تحلیل صورت‌های مالی را ندارند و به نمایندگی از آنان تحلیل‌گران مالی این کار را انجام می‌دهند، تحلیل‌گران که در واقع استفاده‌کنندگان اصلی اطلاعات شرکت هستند، با مطالعه و تحلیل صحیح صورت‌ها و اطلاعات مالی، سرمایه‌گذاران را اطلاع‌رسانی کنند، تحلیل‌گران بایستی مشخص کنند که آیا هموارسازی در شرکت ناشی از دستکاری‌های مدیریت است و یا در نتیجه فرایند طبیعی هموارسازی، به وجود آمده است. در صورتی که احتمال این که سودها به صورت مصنوعی، هموار نشان داده شده باشند، باید مشخص شود که آیا همان‌گونه که در کوتاه مدت، نظر سرمایه‌گذار را جلب می‌کنند، در بلندمدت نیز، می‌تواند موثر باشد یا خیر. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که هموارسازی باعث افزایش محتوای اطلاعاتی سود و آگاهی بخشی استفاده‌کنندگان می‌گردد، پیشنهاد می‌شود همایش‌هایی برای توضیح و تفسیر جنبه‌های مختلف هموارسازی سود برگزار شود تا دید استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی گسترده‌تر شده و افراد با اطمینان و آسودگی خاطر بیشتر تصمیمات مالی خود را اتخاذ نمایند.

پیشنهادها برای تحقیقات آتی نیز به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- با توجه به این که در حال حاضر داده‌های مورد نیاز موجود، محدود به نمونه انتخابی تحقیق می‌باشد، پیشنهاد می‌شود در آینده و با گذشت زمان و افزایش

تأثیر هموارسازی سود بر محتوای اطلاعاتی سود ۱۸۷

داده‌های جدید، تحقیق حاضر در دوره زمانی طولانی‌تر و در صورت امکان با استفاده از تعداد شرکت‌های بیشتری، انجام گردد.

۲- در تحقیق حاضر مسئله اندازه شرکت و نوع صنعت در نظر گرفته نشد، بنابراین به محققین آتی توصیه می‌شود در تحقیقات خود، هموارسازی سود در سطح صنایع مختلف به تفکیک، را نیز مد نظر قرار دهند.

Archive of SID

منابع

حائری، فریدالدین، (۱۳۷۷)، " بررسی میزان ارتباط بین هموارسازی سود و ثروت سهامداران"، رساله دکترا، دانشگاه آزاد تهران.

قائمى، محمد حسین، قیطاسوند، محمود، و محمود توجکى، (۱۳۸۲)، " تاثیر هموارسازی سود بر بازده سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال دهم، شماره ۱۳۱.

ملائظری، مهناز و ساناز کریمی زند، (۱۳۸۶)، " بررسی ارتباط بین هموارسازی سود با اندازه شرکت و نوع صنعت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۷، سال ۱۴.

مهرانی، کاوه و زهره عارف منش، (۱۳۸۷)، " بررسی هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۵، شماره ۵۱.

Ahmed ,A., (2004) , "Does the Market Reaction to Equity Issues Depend on Earnings Quality?", Financial Management Association (FMA) Doctoral Student Seminar , New Orleans ,Louisiana.

Chen,L, and Day,Z,R, (2008), Priestleyz, "Dividend Smoothing and Predictability" , Available at: www.ssrn.com.

Das, Somnath, Keejae Hong, Kyonghaee Kim, (2009) " Cash Flow Volatility, Income Smoothing and CEO Cash Compensation. Online ", Available at: www.ssrn.com.

Hendrickson, Eldon, S, and Michel, F, Van Breda, (1992), "Income Concepts for Financial Reporting", Accounting Theory. Richard D, Irwin. Inc.

Hepwoth, S.R,(1953), " Smoothing Periodic Income ", Accounting Review, January.

Kirschenheiter, M.,and N, Melumad ,(2002)," Earnings Quality and Smoothing " , Journal of Accounting Research , 40(3) , 761-796.

Markarian , Garen , and B. Gill-d- Alboronz , (2008) , " Income Smoothing and Idiosyncratic Volatility " , Available at: www.ssrn.com.

Stolowy Herve, and Gaetan Breton ,(2000)," A Framework for the Classification of Accounts manipulations ".

Sanker, M, and K. R, Sabramanyam, (2001), " Reporting

Discretion and Private Information Communication through Earning " , Journal of Accounting Research 39(2), 370-379.

Tucker, W. Jennifer, and Paul A. Zarowin , (2006) , " Does Income Smoothing Improve Earnings Informativeness? " , The Accounting Review 81, (1).

Archive of SID

پیوست ۱- فهرست شرکت‌های نمونه تحقیق

لیست شرکت‌های نمونه تحقیق					
ردیف	نام شرکت	ردیف	نام شرکت	ردیف	نام شرکت
۱	آبسال	۲۸	دارو اکسیر	۵۵	صنایع شیمیایی ایران
۲	آهنگری تراکتور	۲۹	دارو امین	۵۶	کاربراتور ایران
۳	افست	۳۰	دارو داملران	۵۷	کاشی اصفهان
۴	البرزدارو	۳۱	دارو عبیدی	۵۸	کاشی الوند
۵	ایران ترانسفو	۳۲	دارو فارابی	۵۹	کاشی سینا
۶	ایران خودرو	۳۳	دارو لقمان	۶۰	کاشی نیلو
۷	ایران خودرو دیزل	۳۴	دارو جابراین حیان	۶۱	کالسیمین
۸	ایران گچ	۳۵	داروپخش	۶۲	کربن ایران
۹	ایران مریوس	۳۶	دشت مرغاب	۶۳	کف
۱۰	بهنوش	۳۷	دوده صنعتی پارس	۶۴	گروه بهمن
۱۱	پارس پامچال	۳۸	رادیاتور ایران	۶۵	گروه صنعتی سدید
۱۲	پارس خزر	۳۹	ریخته‌گری تراکتور	۶۶	لاستیک سهند
۱۳	پارس دارو	۴۰	زامیاد	۶۷	لبنیات پاک
۱۴	پتروشیمی آبادان	۴۱	سایپا	۶۸	لنت ترمز
۱۵	پتروشیمی خارک	۴۲	سایپا دیزل	۶۹	لوله و ماشین سازی
۱۶	پتروشیمی فارابی	۴۳	سرماآفرین	۷۰	مس باهنر
۱۷	پشم شیشه ایران	۴۴	سیمان ارومیه	۷۱	مهندسی فیروزا
۱۸	توسعه صنایع بهشهر	۴۵	سیمان تهران	۷۲	ناب
۱۹	تولی پرس	۴۶	سیمان سپاهان	۷۳	نفت پارس
۲۰	جام دارو	۴۷	سیمان شمال	۷۴	نورد آلومینیوم
۲۱	جوش و اکسیژن	۴۸	سیمان صوفیان	۷۵	نوش مازندران
۲۲	چی ایران	۴۹	سیمان قائن		
۲۳	خاک‌چینی ایران	۵۰	سیمان کرمان		
۲۴	خوراک دام پارس	۵۱	سیمان مازندران		
۲۵	داده پردازی ایران	۵۲	سینادارو		

تأثیر هموارسازی سود بر محتوای اطلاعاتی سود ۱۹۱

		شیشه قزوین	۵۳	دارو ابوریحان	۲۶
		شیشه و گاز	۵۴	دارو اسوه	۲۷

(ادامه پیوست ۱)

* منبع: یافته های پژوهشگر

Archive of SID